



یادداشت معرفی

روایت یک شکست

معرفی کتاب برنامه ریزی در ایران: بر اساس تجارب گروه مشاوره دانشگاه هاروارد در ایران

اندیشکده عصر پیشرفت | بهمن ۱۴۰۰



کد اثر: ۱۵۰ I/N

عنوان: روایت یک شکست

معرفی کتاب «برنامه‌ریزی در ایران: بر اساس تجارب گروه مشاوره دانشگاه هاروارد در ایران در تهیه برنامه عمرانی سوم»

منبع: مک لئود. تاس. اچ. برنامه‌ریزی در ایران

نویسنده: حمید ابدی

عصر پیشرفت؛ اندیشکده | رسانه | مدرسه

بهمن ۱۴۰۰

حمید ابدی

دانشجوی دکتری مدیریت راهبردی دانش پژوهشگر مطالعات پیشرفت اسلامی ایرانی مطالعات تاریخ، فلسفه و سیاستگذاری علم و فناوری



اشاره

کتاب برنامه‌ریزی در ایران روایتی عمیق و جدی از چالش‌های تحقق «توسعه غربی» در ایران عرضه می‌کند. این کتاب، هم‌چنان‌که در مقدمه آن گفته شده، داستان ناکامی گروه مشاوران دانشگاه هاروارد در برنامه‌ریزی توسعه در ایران عصر پهلوی است و به این پرسش اساسی می‌پردازد که «چرا برنامه‌ریزی توسعه غربی در ایران نهادینه نمی‌شود؟».

نویسنده کتاب، آقای مک لئود (سرپرست گروه دوم مشاوران هاروارد) تلاش داشته تا روایت صادقانه و واقع‌بینانه‌ای از علل تحقق نیافتن توسعه در ایران ارائه نماید و از زوایای مختلفی به این مسئله پرداخته است. او که سرپرست گروه دوم مشاوران هاروارد است، ریشه‌ای‌ترین علت تحقق نیافتن توسعه در ایران را در صفحات و سطور پایانی فصل دوم کتابش این‌گونه مطرح کرده است: «ما بیش از پیش یقین حاصل کردیم که جامعه سنتی - که ایران نمونه آن است - باید راه ویژه و احتمالاً پیچ‌درپیچ خود را در فرایند پیشرفت و توسعه طی کند. بیماری‌های این جامعه را به‌سختی می‌توان با نسخه‌هایی درمان کرد که مختص شرایط جوامع توسعه‌یافته غرب است». از نگاه او «در جامعه سنتی مفهوم تغییر باید مبتنی بر نیروهایی باشد که تماماً از محیط خود این جامعه بجوشد» و این امر را مستلزم «مشخص کردن، شناسایی و ارزیابی نیروهای بومی» می‌داند و اعتراف می‌کند که «به اعتقاد ما در برنامه‌ریزی توسعه در ایران این کار بنیادی و اولیه هیچ‌گاه انجام نشده است».

روایت یک شکست

کتاب برنامه‌ریزی در ایران نوشته تاس. اچ. مک لئود، سرپرست اجرایی گروه مشاوران هاروارد، با ترجمه علی‌اعظم محمدبیگی در ۲۰۹ صفحه، توسط نشر نی منتشر شده است. بخش‌های مختلف این کتاب عبارت‌اند از:

- پیشگفتار مترجم
- مقدمه
- فصل اول: طرح کلان - برنامه یا مدل؟
- فصل دوم: برنامه‌ریزان سازمان برنامه
- فصل سوم: تشکیلات سازمان برنامه
- فصل چهارم: چهارچوب اداری
- فصل پنجم: کار ستادی در برنامه‌ریزی
- فصل ششم: فرایند تصمیم‌گیری



- ضمیمه یک: درباره کمک فنی خارجی به ایران در حوزه بودجه ریزی و برنامه ریزی
- ضمیمه دو: درباره گروه مشاوره‌ای هاروارد
- ضمیمه سه: قانون برنامه عمرانی اول (۱۳۲۷-۱۳۳۴) و قانون برنامه هفت ساله دوم عمرانی کشور (۱۳۳۴-۱۳۴۱)
- ضمیمه چهار: کتاب‌شناسی گزیده برنامه‌های عمرانی اول، دوم و سوم (۱۳۲۷-۱۳۴۶)

این کتاب بیانی عمیق و جدی از چالش‌های تحقق «توسعه غربی» در ایران بوده و هم‌چنان که در مقدمه آن گفته شده، داستان ناکامی گروه مشاوران دانشگاه هاروارد در برنامه ریزی توسعه در ایران عصر پهلوی را روایت می‌کند و به این پرسش اساسی می‌پردازد که «چرا برنامه ریزی توسعه غربی در ایران نهادینه نمی‌شود؟».

نویسنده کتاب تلاش داشته تا روایت صادقانه و واقع‌بینانه‌ای از علل تحقق نیافتن توسعه در ایران ارائه نماید و از زوایای مختلفی به این مسئله پرداخته است. او که سرپرست گروه دوم مشاوران هاروارد است، ریشه‌ای‌ترین علت ناکامی توسعه در ایران را در صفحات و سطور پایانی فصل دوم این‌گونه مطرح کرده است: «ما بیش از پیش یقین حاصل کردیم که جامعه سنتی - که ایران نمونه آن است - باید راه ویژه و احتمالاً پیچ‌درپیچ خود را در فرایند پیشرفت و توسعه طی کند. بیماری‌های این جامعه را به سختی می‌توان با نسخه‌هایی درمان کرد که مختص شرایط جوامع توسعه یافته غرب است». از دیدگاه او، «در جامعه سنتی مفهوم تغییر باید مبتنی بر نیروهایی باشد که تماماً از محیط خود این جامعه بجوشد» و این امر را مستلزم «مشخص کردن، شناسایی و ارزیابی نیروهای بومی» می‌داند و اعتراف می‌کند: «به اعتقاد ما در برنامه ریزی توسعه در ایران این کار بنیادی و اولیه هیچ‌گاه انجام نشده است».

مک لئود در پایان فصل اول کتاب، تبیین دقیقی از تأثیر «پیش فرض‌ها» در تحلیل‌های کارشناسی مربوط به برنامه ریزی ارائه می‌کند. او در این تبیین، پیش فرض‌ها را به دو دسته «اشتقاقی» و «اساسی» تقسیم می‌کند و معتقد است که آن پیش فرض‌هایی که عمدتاً در برنامه ریزی توسعه مبنای تحلیل‌های کارشناسی است، پیش فرض‌های اشتقاقی می‌باشد؛ درحالی‌که صحت پیش فرض‌های اشتقاقی به پیش فرض‌های اساسی جامعه ایران وابسته است. او مثال می‌زند که کارشناس برنامه ریزی «تأثیر کود بر افزایش تولیدات کشاورزی» را به عنوان فرض اشتقاقی در نظر می‌گیرد؛ اما نسبت به یک فرض اساسی‌تر که عبارت است از: «الگوی تاریخی زمین‌داری در روستاهای ایران»، بی‌توجه است. او با ذکر چند مثال مشابه، نتیجه می‌گیرد که بی‌التفاتی به مفروضات اساسی جامعه ایران، که عمدتاً بُعد متافیزیکی دارد، نوعی سطحی‌اندیشی در رفتار برنامه ریزان را در پی داشته است.

«جامعه‌شناسی رفتار سازمانی» ایرانیان در جای‌جای این کتاب مورد توجه نگارنده بوده است. نگارنده با تأکیدی که بر دوگانگی «سیاست-اداره» (politics-administration)، به‌عنوان مبنا و قاعده فرهنگ سیاسی-اداری دنیای غرب دارد، رفتار ایرانیان در منصب دیوان‌سالاری را این‌گونه روایت می‌کند: ایرانیان هر شغل اداری را به‌منزله کانون قدرت تلقی می‌کنند؛ به‌عبارت‌دیگر در این طرز تلقی، هر شغل اداری یک مکان استراتژیک است که از آنجا می‌توان هدف‌هایی را دنبال کرد که ماهیت سیاسی دارد، نه اداری. مشاغل اداری با یکدیگر ارتباط سیاسی، تاکتیکی و گذرا دارند... پدیده درک شغل به‌مثابه کانون قدرت و مایملک شخصی که بر رفتار دیوان‌سالاری ایران حاکمیت دارد، اثر منفی بر جنبه‌های تشکیلاتی و نیز شیوه‌های مدیریت دولتی در کشور می‌گذارد.

مک لئود به وضعیت علوم اجتماعی در دانشگاه‌های ایران نیز توجه داشته و در بخش کوتاهی از گزارش خود به آن نیز پرداخته است: «وضعیت علوم اجتماعی در دانشگاه‌های ایران دقیقاً منعکس‌کننده سطح توسعه اقتصادی کشور است... دانشگاه‌های ایران به‌جز یک دانشگاه، صرفاً زائده‌های دستگاه اداری مستقر محسوب می‌شوند و همان خصلت‌ها و عادات را دارند و همان توزیع امتیازات را که در دستگاه اداری موجود است، باز می‌تابانند». او در همین بخش، به تأسیس «مؤسسه مطالعات و تحقیقات اقتصادی» به‌منظور برطرف‌کردن خلأ پژوهش‌های دانشگاهی در زمینه توسعه اقتصادی اشاره کرده و اعتراف می‌کند که «این مؤسسه برخلاف انتظار به‌هیچ‌وجه وضع موجود را عوض نکرد». او در ضمن اشاره به یکی از مجلات علمی این مؤسسه، کاستی‌های علمی را ضعف پژوهش اقتصادی-اجتماعی در ایران عصر پهلوی مربوط می‌داند. وی به‌طورخاص «فقدان طرح تحقیق» در پژوهش‌های ایرانی را، یکی از مهم‌ترین ضعف‌های پژوهشی ایرانیان می‌داند: «این ضعف عمدتاً به‌شکل ناتوانی در شناسایی و تعریف پدیده‌های معینی مشخص می‌شود که موضوع تحقیق و تحلیل هستند. فعالیت‌های تحقیقاتی [در ایران] عملاً به‌دنبال آن است که همه چیز را در پوشش خود بگیرد و در نتیجه بر هیچ موضوع خاصی تمرکز پیدا نمی‌کند. در چنین شرایطی تحقیق مفید، عملاً غیرممکن می‌شود». او برای تبیین این چالش، مثالی مطرح می‌کند: «بزرگ‌ترین پروژه تحقیقاتی مؤسسه مطالعات و تحقیقات اقتصادی به نام "مطالعه عوامل اجتماعی، سیاسی و نهادی مؤثر بر توسعه اقتصادی" تعریف شده بود. چنین موضوعی، اگر بتوان آن را واقعاً یک موضوع تلقی کرد، آرزوی پرارزشی را منعکس می‌کند؛ اما موضوعی نیست که بتواند مبنای تحقیق عمیق و عملی قرار گیرد».

مک لئود گزارش جالب توجهی از ایرانیان فرنگ‌رفته‌ای که در سازمان برنامه به مسئولیت‌های مهمی دست یافتند، نیز ارائه می‌دهد. این گزارش که در فصل دوم کتاب انعکاس یافته، حاوی نگاه انتقادی

گروه مشاوران هاروارد به ایرانیان تحصیل کرده در خارج است. او تلقی و تفسیر ایرانیان فرنگ رفته از غرب را گزینشی، غیرواقعی و اسطوره‌ای می‌داند:

این عده اکثراً به معنای واقعی در ایران غریب بودند؛ زیرا به دلیل چند سال زندگی در خارج از کشور که برخی از آنان مدتی بسیار طولانی اقامت داشتند، رنگ و بوی فرهنگ‌های بیگانه را به خود گرفته بودند. این رنگ و بو نیز معمولاً از جنبه‌های آرمانی (یا حتی اسطوره‌ای) این فرهنگ‌ها اخذ شده بود تا واقعیت‌های آن. آشنایی اندک و گزینشی آنان با این فرهنگ‌ها احتمالاً سبب این امر بوده است... فرنگ رفته‌های نوکیش تمایل داشتند تا فرهنگ جدید را بر اساس یقین کامل به آرمان‌ها و اسطوره‌های آن و نه بر مبنای درک تجربی واقعیت‌های این فرهنگ، تفسیر کنند.

مک لئود با اشاره به اینکه ایرانیان تحصیل کرده در خارج، پیشران اصلی توسعه در ایران عصر پهلوی تلقی می‌شدند، در مورد میزان اثربخشی، این‌گونه آورده است:

ما بارها پی برده بودیم که آنان اکثراً تعهد کامل نسبت به بازسازی و اصلاح امور در ایران ندارند... ما در طول مأموریت خود یقین پیدا کردیم که در هر جامعه نیروهای توسعه باید با بهره‌مندی از خصایص کیفی آن جامعه سربرآورند. همکاران ایرانی ما چنین نبودند؛ زیرا قادر نبودند تجلی بخش خصوصیت‌ها یا نیروهای برخاسته از آن جامعه باشند.

مک لئود برای اثبات این مدعا که کارشناسان ایرانی سازمان برنامه درک درستی از جامعه ایران نداشتند، به ذکر مثالی در مورد تفسیر غلط کارشناسان ایرانی سازمان برنامه از «نقش مذهب در روند توسعه ایران» اشاره می‌کند:

ما نمی‌توانستیم به تفسیر همکاران ایرانی خود اعتماد کنیم و خود نیز قادر به تفسیر آن نبودیم؛ برای مثال: همکاران ایرانی ما همواره به ما یادآوری می‌کردند که «مذهب نقش چندانی در اصلاحات اجتماعی ایران ندارد». کاملاً مشخص بود که این ارزیابی غلط است؛ اما به قدری سردرگم بودیم که خود نمی‌توانستیم به ارزیابی معنی‌دار نقش مذهب در جامعه ایران دست یابیم.

او همچنین در جای دیگری از کتاب، به بی‌التفاتی کارشناسان ایرانی سازمان برنامه به اهمیت نقش روستاییان در توسعه اشاره می‌کند:

ایران اساساً جامعه‌ای روستایی است و آینده آن را باید آینده روستاییان این کشور دانست. بدیهی است کسانی که برای آینده ایران برنامه‌ریزی می‌کنند باید شناخت دقیق از ابعاد مختلف زندگی روستایی و حتی عشیره‌ای داشته باشند. چنین شناختی در ایران نادر است و نادرتر از آن، علاقه روشن فکر شهری به حصول چنین شناختی است. در چشم همکاران ایرانی ما، زندگی، در بیرون از محدوده تهران معنای

خود را از دست می داد. ما چند بار به مناطق روستایی کشور سفر کردیم. در این سفرها که خود مشاوران آن را ترتیب داده بودند، گاهی یک همکار ایرانی، ما را با بی میلی همراهی می کرد و اغلب بدون همراه سفر می کردیم.

منبع

مک لئود. تاس. اچ، برنامه ریزی در ایران: بر اساس تجارب گروه مشاوره دانشگاه هاروارد در ایران در تهیه برنامه عمرانی سوم، ترجمه علی اعظم محمدبیگی، تهران، نشر نی، بی تا.



@asr_e_pishraft

تلفن ۰۹۱۰ ۶۵۱ ۳۳ ۳۰

www.asr_e_pishraft.ir

تهران، خیابان ایرانشهر، پلاک ۱۰۵، طبقه ۳

اندیشکده | رسانه | مدرسه عصرپیشرفت، محیطی برای اندیشه ورزی و انتشار دیدگاه‌ها پیرامون پیشرفت، نوآوری و تحول حکمرانی است. در عصر پیشرفت، به وضعیت گذشته، حال و آینده ایران می‌پردازیم و تاثیر موضوعات، افراد، وقایع و پدیده‌ها را بر پیشرفت ایران بررسی خواهیم کرد.